

زنان در بازار کار ایران

در شرایط حاضر زنان ما به ظاهر وارد بازار کار شده‌اند اما با چه مشکلاتی در این راستا مواجه هستند مباحثی است که به تفصیل در این کتاب مطرح می‌گردد.

کتاب به دو فصل تقسیم می‌شود:

فصل اول، تئوریهای نابرابری جنسیتی در بازار کار به ترجمه خانم پروین رئیسی فرد می‌باشد که مقالاتی از کتاب:

Sex inequalities in Urban Employment in the Third World

Richard Anker & Catherine

برگرفته شده است. که کتاب براساس بررسیهای انجام شده از طرف UNDP صندوق حمایت از توسعه و سازمان بین‌المللی کار ILO در سال ۱۹۸۶ می‌باشد. دامنه‌ی تحقیق در کشورهای قبرس، غنا، هند، موریس، نیجریه، سریلانکا و پرو می‌باشد که وضع موجود بازار کار زنان را در کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار داده است که به علت وجه تشابهش با شرایط زنان ما در ایران و مشکلات اشتغالی که زنان ما با آن در گریبان می‌باشند بسیار خواندنی است.

در فصل اول کتاب که ۹۰ صفحه را به خود اختصاص داده سه دیدگاه درباره وضع نامساعد زنان در بازار کار ارائه شده است.

۱- تئوریهای نئوکلاسیک

۲- تئوریهای تجزیه شدن بازار کار

زنان در بازار کار ایران

نور جهان ...



○ زن سبزی فروش

۳- تئوریهای جنسیتی

۱- در بخش تئوریهای نوکلاسیک به تشریح تفاوت‌های جنسیتی و این که چرا درآمد حاصل از کار زنان کمتر از مردان است و به متغیرهایی نظیر مسئولیتهای خانوادگی، نیروی جسمی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعات کار، غیبت از کار و جابه‌جایی در کار تأکید می‌کند و بیشتر بر این تکیه دارد که درآمد زنان به این علت کمتر از مردهاست که زنان از سرمایه انسانی کمتری که عمدتاً آموزش و پرورش است بهره‌مند می‌شوند و از این رو کار پائین‌تری هم دارند.

در این تئوری خاطر نشان می‌سازد که برخلاف موارد بارداری و شیردهی برای این که نقش پرورش کودک منحصرأ به عهده مادر می‌باشد دلیل بیولوژیکی وجود ندارد. ضمناً در بخشی از این مبحث اشاره می‌شود که در کشور پرو در صورتی که سطح آموزش و پرورش زنان بالاست و وضعیت آنها را در بازار کار بهبود بخشیده است.

مبحث دوم تئوریهای تجزیه شدن بازار کار:

یکی از معروفترین تئوریهای تجزیه شدن بازار کار در این کتاب تئوری بازار کار دوگانه است. که بین دو نوع از مشاغل تمایز قائل می‌شود. مشاغل بخش اول که از لحاظ پرداخت مزد، تامین بیشتر و فرصتهای پیشرفت وضع نسبتاً خوبی دارد و مشاغل بخش دوم که با مزد کم، تامین کمتر و محدودیت امکان پیشرفت روبرو است که زنان در مشاغل بخش دوم قرار می‌گیرند.

مبحث سوم تئوریهای جنسیتی:

در این مبحث به یک موضوع کلیدی (نه فرضی) در تئوریهای جنسیت اختصاص کار خانگی به‌ویژه مراقبت کودک به زن‌هاست اشاره می‌شود. حتی هنگامی که زن‌ها در خارج از خانه کار می‌کنند بازهم کار خانگی به‌ویژه مراقبت از کودک به آنها اختصاص دارد.

در بخش عوامل مؤثر در نابرابری جنسیتی در بازار کار در این کتاب به:

۱- مدل کشورهای صنعتی: ساعات و محل کار، قوانین حمایتی، سندیکاهای کارگری اشاره می‌شود که در کشورهای در حال توسعه زنان عموماً در سازمانهای کارگری کمتر حضور دارند و حتی هنگامی نیز که زن‌ها عضو سندیکا می‌شوند بازهم ندرتاً در پست‌های کلیدی به نحوی که در اداره امور سندیکا مسئولیتی داشته باشند می‌رسند و این نشان می‌دهد که در کشورهای جهان سوم در سندیکاهای کارگری نیز تفاوت جنسیت وجود دارد.

۲- طرز تلقی و رفتار مدیریت.

از مواردی که کارفرما تفاوت بین کارگر زن و مرد می‌گذارد:

۱- غیبت که زنان به دلایل کار خانگی بیشتر از مردان از محل کار غیبت می‌کنند.
۲- بارداری. هزینه زایمان. مرخصی ایام زایمان و عدم بازگشت به کار زنان بعد از زایمان می‌باشد.

۳- جابه‌جایی زنان بیشتر از مردان است که البته طبق آماری که در کتاب آورده شده زنان کمتر جابه‌جایی داشته‌اند یا زنان کمتر از مردان تغییر شغل می‌دهند. در تقسیم جنسیتی مشاغل در این کتاب برخی دلایل نامناسب بودن زن‌ها برای بعضی از مشاغل بیشتر به فاقد قدرت جسمی زنان و ناتوانی در نظارت و سرپرستی تکیه می‌شود. در قسمتهای دیگر این بخش از کتاب به آموزش و پرورش رسمی و محدودیتهای فرهنگی در مورد زنان اشاره می‌کند: «در برخی از کشورهای جهان سوم که مشارکت زن‌ها در بخش جدید پائین است بعضی از ریشه‌ها را باید در موازین محلی جستجو کرد که برای محدود کردن ارتباط با سایر مردهای غیر وابسته آنها را منزوی می‌کند» عوامل محدودکننده فعالیت‌های زنان نه تنها بر عرضه کار زن‌هایی که آمادگی انجام کار را دارند اثر می‌گذارد بلکه تقاضای کار برای کارگر زن را هم محدود می‌کند.

- تقسیم کار در خانه:

مراقبت از کودک و کار در خانه عامل مهمی است که باعث می‌شود زنان در بازار کار کمتر فعال باشند. در خانواده‌های هسته‌ای شهری توانایی این که زنان از خدمتکار برای کار خانگی و نگهداری کودک استفاده کنند به دلیل هزینه زیاد مشکل است.

میزان مشارکت در خانه به میزان تعادل بین زن و مرد بستگی دارد. عدم مشارکت در کارهای

خانه و مراقبت کودک را می‌توان با نابرابریهای جنسیتی در بازار کار پی‌گیری کرد.

در فصل اول کتاب اضافه می‌کند: «این باور که مردها تأمین‌کننده اصلی و منحصر به فرد

معیشت اقتصادی خانواده خود هستند در جهان گسترده است و زن به عنوان فردی شناخته می‌شود



● زنان فروشنده

که از نظر اقتصادی وابسته است، به این علت اولویت دادن دولتها به مردان بیکار منعکس کننده فرض احتیاج بیشتر مردها به کار به عنوان نان آور خانواده است. تمایل زنها به پذیرش مزد کمتر نیز مرتبط به این دیدگاه است.

در صورتی که در کشورهای جهان سوم تعداد زنهایی که در عمل سرپرست خانوار هستند رو به افزایش است هرچند در جوامع شهری جهان سوم که بی کاری بالا و عدم تأمین شغلی، مزدهای کم و ساختار در حال تغییر خانواده ویژگی آنهاست، برای زنانی که شوهرشان به تنهایی نیازهای مالی آنها و فرزندان را تأمین کند ایده آلی واقع بینانه نیست.



فصل دوم کتاب به سه بخش کلی تقسیم شده است:

وضعیت زنان در دیروز، امروز و گذار از سالهای تندرؤی و ناامنی. نویسنده اشاره ای دارد از ارقام آماری که نشان می دهد سال ۱۳۳۵ شمسی مبنای زمانی برای تعیین درجات تحول در زندگی شغلی زن ایرانی است. نویسنده در این بخش از نقش فعال زنان روستایی که بیش از مردان نیروی محرکه امور اقتصادی هستند اشاره دارد.

در کتاب نتیجه بررسی آماری انجام شده به نظر می رسد در طول ۲۰ ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ با وجود امکانات فراوان فرصتهای زیاد اشتغال که برای زنان ایجاد شده بود میزان فعالیت زنان تا حدودی ثابت مانده است.

نتایج سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵ نشان می‌دهد که در کل کشور بالغ بر ۱۱ میلیون نفر زن ده ساله و بیشتر وجود داشته که کمی بیش از ۵ میلیون آنها در شهرها و نزدیک به ۶ میلیون آن در روستاها زندگی می‌کرده‌اند. از این گروه تنها ۱/۵ میلیون نفر یعنی ۱۳ درصد کل زنان ده ساله و بیشتر خود را شاغل یا بی‌کار معرفی کرده‌اند که یک میلیون آن ساکن روستاها و نیم میلیون ساکن شهرها بوده‌اند. این نسبت در سال ۱۳۳۵ در حدود ۱۲ و در سال ۱۳۳۵، ۹ درصد بوده است. نگارنده علل رشد ناچیز فعالیت زنان در بیست ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ را به موارد ذیل نسبت داده است.

- افزایش و جواتر شدن جمعیت در سالهای مزبور.

- افزایش نرخ مهاجرت از روستا به شهر.

- افزایش اشتغال به تحصیل جوانان.

- افزایش سطح دستمزد.

- رکود صنایع دستی و کاهش فعالیتهای کشاورزی.

همچنین خانم کار تفاوت سطح دستمزد زنان و مردان و بالا بودن سطح دستمزد مردان را دو عاملی میدانند که توأم در دور نگاهداشتن زنان از بازار کار مؤثر بوده است.

تقسیم مساغل و درصد فعالین زنان شهری و روستایی در مشاغل فوق در جدول زیر نشان

داده شده است.

سال ۱۳۳۵	جمع شاغلین	کارکنان حرفه‌ای و فنی	مدیران و کارمندان اداری و اجرایی	کارکنان دکتری	کارکنان درامور فروش	کارکنان درامور خدمات	کارکنان در امور کشاورزی و دامپروری	کارکنان در امور تولید و استخراج حمل و نقل	سایر
کل کشور	۱۰۰	۳/۲	۱/۳	-	۰/۹	۱۹/۰	۲۷/۴	۴۷/۵	۰/۷
شهری	۱۰۰	۸/۲	۳/۷	-	۱/۹	۳۶/۷	۳/۸	۴۴/۹	۰/۸
روستایی	۱۰۰	۰/۷	۰/۲	-	۰/۳	۱۰/۵	۳۸/۷	۴۸/۸	۰/۷
سال ۱۳۴۵									
کل کشور	۱۰۰	۵/۷	-	۱/۵	۰/۶	۱۲/۳	۲۲/۱	۵۵/۹	۱/۸
شهری	۱۰۰	۱۵/۸	۰/۱	۴/۴	۱/۲	۲۷/۹	۲/۹	۴۵/۰	۲/۷
روستایی	۱۰۰	۰/۶	-	-	۰/۳	۴/۶	۳۱/۹	۶۱/۳	۱/۳
سال ۱۳۵۵									
کل کشور	۱۰۰	۱۵/۶	۰/۱	۵/۴	۰/۷	۵/۴	۱۸/۴	۵۲/۹	۱/۵
شهری	۱۰۰	۳۷/۱	۰/۴	۱۴/۰	۱/۳	۱۲/۰	۲/۰	۳۰/۶	۲/۶
روستایی	۱۰۰	۲۲/۱	-	۰/۲	۰/۳	۱/۳	۲۸/۴	۶۶/۵	۰/۹

در مبحث نقش زنان در بازار کار امروز ایشان اشاره به این داشته‌اند که نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند در حالی که فقط ۹ درصد از مجموع شاغلان کشور زن هستند. در طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ به طور متوسط هر سال ۱/۰ درصد از میزان اشتغال زنان کاسته

شده و به این ترتیب از هر ۱۰۰ زن ده ساله و بالاتر ۹۱ زن هیچگونه نقشی در فعالیتهای اقتصادی نداشته‌اند و تحت تکفل مردان خانواده، پدر، همسر، برادر و... زندگی کرده‌اند. اگر بپذیریم که یکی از وجوه تمایز رشد یا عدم رشدیافتگی اقتصادی در یک کشور ابعاد و میزان الگوی مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی است متوجه می‌شویم که با کاهش بالغ بر ۲۳۷۰۰ نفر زن در فعالیتهای شغلی مربوط به هر سال (۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵) چگونه در خلاف مسیر توسعه گام برداشته شده است که البته عوامل غیرفعال بودن زنان را در این دانسته‌اند که مشاغل در انحصار مردان است و نقش تبلیغات و نقش‌های دوگانه، هم زن به عنوان مادر و همسر مجبور به کار خانگی است و هم به خاطر مشکلات اقتصادی مجبور به کار بیرون می‌شود.

خانم کار اشاره می‌کنند که تغییرات بافت اقتصادی اشتغال زنان در سالهای اخیر نشان می‌دهد که اشتغال زنان کشور توسعه نمی‌یابد مگر اینکه فعالیتهای صنعتی رشد و پیشرفت اقتصادی مناسبی پیدا کند یعنی اگر در جستجوی این هستیم که زنان سهم و جایگاه مناسبی در تولید کشور داشته باشند و به نرخهای مشارکت درخور توجهی دست پیدا کنند بایستی فعالیتهای صنعتی کشور توسعه پیدا کند و متناسب با آن سهم زنان از مجموعه فعالیتهای صنعتی افزایش یابد. که البته باید به ایشان خاطر نشان نمود که فعالیت صنعتی و توسعه اقتصادی در کشور در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود، زنان همانطور که اشاره شده که نیمی بیشتر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند فعالانه با مردان در مشاغل همگون در تولید و توسعه کشور نقش داشته باشند.

در بخشی از کتاب دسته‌بندی موانع اشتغال ارائه داده شده است که شامل: آموزش و پرورش رسمی و قوانین ناظر بر امور خانواده و قوانین و مقررات ناظر به اشتغال می‌باشد. و آنچه که بیشتر می‌توان در موارد موانع شغلی زنان در بازار کار بدان اشاره نمود تبعیضهای جنسیتی است که از عوامل بسیار مؤثر عدم افزایش مشارکت اقتصادی زنان است در بررسیهای آماری سالهای ۶۵-۱۳۵۵ مرکز آمار ایران متوجه می‌شویم که از کل مردان شاغل تنها ۶ درصد دارای تحصیلات عالی هستند. در صورتی که ۱۸ درصد زنان شاغل از مدارک عالی تحصیلی برخوردارند و نیز تنها ۳ درصد از زنان شاغل به سمتهای بالای اداری دست یافته‌اند و هشت هزار زن تحصیلکرده دانشگاهی بی‌کار جویای کار می‌باشند.

در بخشهای پایانی کتاب نویسنده نگرشی بر موقعیت زن در قانون کار مصوب ۱۳۶۹ دارند که چون بخشهای دیگر کتاب بسیار جذاب و قابل تعمق است. کتاب در ۲۴۳ صفحه با قطع رقیمی به قیمت ۳۰۰ تومان با تیراژ ۲۰۰۰ نسخه در انتشارات روشنگران به چاپ رسیده است. در شرایط بحرانی اشتغال زنان در حال حاضر کتاب ما را با مسایل جدی تر روبرو می‌سازد و حداقل زنان جامعه ما با یک سری مشکلات و موانع اجتماعی و فرهنگی که با بحران بیکاری روزبه‌روز افزوده‌تر می‌شود آشنا می‌سازد.